



داعش و آخرالزمان

■ علیرضا رضاحواه



هارولد لی لیندسی معروف به هالد لیندسی در کتاب معروفش "زمین، سیاره بزرگ مرحوم" (The Late, Great Planet Earth)، که در حدود ۱۸ میلیون نسخه از آن، به فروش رفته، و در سراسر دهه ۷۰ پر فروش ترین کتاب آمریکا محسوب می شد، می نویسد: خداوند از پیش مقرر فرموده که ما به یک جنگ هسته ای یا همان آرماگدون دست بزنیم. لیندسی می گوید: که ما باید هفت مرحله یا هفت مشیت الهی را از سر بگذرانیم که یکی از آن ها، نبرد هراس انگیز آرماگدون است که در آن همه گونه سلاح های ویران گر هسته ای به کار برده خواهد شد. از سال ۱۹۸۰، کشیشان پروتستان در برنامه های تلویزیونی آمریکایی، که بنا بر شروع کردند به متقاعد کردن مردم که لازم نیست در راه صلح بکوشند، بلکه به جای آن باید جنگ را بخواهند، زیرا که خواست خداست. این کشیشان می گفتند که خداوند از ازل مقرر فرموده مردمانی که در این نسل زندگی می کنند، باید به این جنگ هسته ای دست بزنند. آنها، آیات انجیل و اغلب کتاب حزقیال نبی، دانیال نبی و مکاشفات یوحنا را نقل می کردند، تا اثبات کنند ما در دوره آخرالزمان هستیم. تفسیرهای آخر زمانی یکی از ریشه های شکل گیری مسیحیت صهیونیسم در آمریکا شد. مسیحیت صهیونیستی نام جریانی از او انجلیس های مسیحی است که تشکیل کشور یهودی اسرائیل را یکی از علائم ظهور مجدد عیسی مسیح (ع) و بلکه پیش شرط ضروری آن و نیز زمینه لازم برای تحقق طرح نجات خداوند برای زمین می دانند. البته موضوع به اینجا ختم نمی شود. تفاوت آنان با دیگر فرقه های مسیحی که با آنان در این بینش شریکند، این است که مسیحیان صهیونیست معتقدند باید دست به کار شد و با محقق کردن پیشگویی های کتاب مقدس، که عمدتاً در مکاشفات یوحنا و رسول آمده است، زمینه های این رجعت دوباره مسیح و نجات بشر فراهم آورد. در واقع مسیحیت صهیونیستی نوع فعال منجی گرایی مسیحی است. در بخش اعظم قرن اخیر، بسیاری از مسیحیان صهیونیست از سیاست داخلی پرهیز و تنها گوشه چشمی به سیاست خارجی داشتند، دلیل آن هم

رصد تحولات بین المللی و تلاش برای تطبیق آن با روایات آخر زمانی کتاب مقدس بود. حتی اکنون که بسیاری از آنان با هدف مقابله با تهدید سکولاریسم نسبت به ایمان خود وارد سیاست شده اند، همچنان سیاست خارجی برایشان جذاب تر می نماید. حضور جورج بوش در مسند ریاست جمهوری به عنوان نماینده این جریان هزینه زیادی را بر جهانیان تحمیل کرد. حمله به عراق و افغانستان و جنگ ۳۳ روزه در لبنان و طرح خاور میانه همه و همه نتیجه استفاده از ابزار قدرت و سیاست برای توجیه نگرش های آخر زمانی بود.

داعش و آخرالزمان

باورهای پایان تاریخی و تفسیرهای آخر زمانی فارغ از این که خاستگاهش در کدامیک از ادیان و مذاهب بشری باشد هر گاه به ابزاری برای کسب مشروعیت سیاسی تبدیل شده، بحران آفرین بوده است. نمونه اخیر آن را می توان ظهور گروه تروریستی داعش دید. نازی ها و خمیرهای سرخ تلاش بسیاری کردند تا بر جنایات خود علیه بشریت سرپوش بگذارند. در عوض، داعش جنایات بی شمار خود را بدون توجه به پیامدهایش، در رسانه های اجتماعی به نمایش جهانی می گذارد. سربریدن جیمز فولی، خبرنگار آمریکایی توسط داعش در نیمه آگوست باعث تحریک بخش عمده جهان غرب علیه این گروه شد و شکل گیری کمپین هوایی به سرکردگی آمریکا علیه داعش را به دنبال داشت. سوزاندن خلبان اردنی توسط داعش نیز باعث تحریک اکثر کشورهای جهان عرب علیه این گروه شد و اردن را به لیست کشورهای ائتلاف علیه داعش افزود. سربریدن قبطی مسیحی مصر در لیبی توسط نیروهای وابسته به داعش نیز حملات هوایی نیروهای مصری به مواضع داعش در شرق لیبی را به دنبال داشت. هر بار که داعش قساوتی جدید را رقم می زند، چه با گردن زدن گروهی از مسیحیان مصری باشد، چه با بردگی گرفتن زنان ایزدی در عراق یا زنده سوزاندن قربانیان، یک سوال بزرگ برای بسیاری از مردم مطرح می شود: چرا داعش دست به چنین اقداماتی می زند؟ هدف از این کارها چه می تواند باشد؟ یکی از درجه های اصلی درک داعش در

مجله انگلیسی زبان این گروه با نام «دابق» است. مجله ای که ظاهراً ترجمان ایدئولوژی و جهان بینی داعش است. اشتباهی که بسیاری از افراد در مواجهه با داعش مرتکب می شوند این است که آن را باز یگیری منطقی تصور می کنند. در واقع همانطور که در این مجله آمده، ایدئولوژی این گروه نزدیک به تفکرات آخر زمانی است مبنی بر اینکه ما در عصر آخرالزمان زندگی می کنیم و اقدامات داعش در جهت شتاب بخشی برای رسیدن به این اتفاق است. نام مجله دابق نیز به درک جهان بینی داعش کمک می کند. نام «دابق» به شهری سوری بازمی گردد که در کتاب حدیث «صحیح مسلم» ذکر شده است، شهری که به «آخرالزمان» و نشانه های آن مرتبط می شود؛ در این منطقه است که یکی از جنگ های «آخرالزمان» در آن روی می دهد. در این جنگ «رومی ها» زیر ۸۰ پرچم که از هر کدام ۱۲ هزار نیرو دارند، گردهم خواهند آمد. پیش از رستاخیز روزهای سخت آخرالزمان رخ خواهند بود که در این دوره، حمله گر بزرگ یا همان دجال، ظهور خواهد کرد. پس از این مرحله منجی ظهور می کند. دابق شهری در شمال حلب است که از مرزهای ترکیه ۴۵ کیلومتر فاصله دارد. ابوالأسید البغدادی از مبلغان داعش در صفحه فیس بوک خود نوشته است: «آن چه که در عین الاسلام (نامی که داعش بر کوبانی نهاده) که در نزدیکی دابق قرار دارد روی می دهد، مسئله ای بیپایان نیست بلکه از قرن ها پیش برای آن برنامه ریزی شده است. «زمانیکه پیتر کاسیگ، امدادگر آمریکایی طی ماه نوامبر توسط داعش کشته شد، جان جهادی -جلاد سیاهپوشی که در بسیاری از ویدئوهای داعش به چشم می خورد- در مورد کاسیگ گفت: «ما نخستین مسیحی را در دابق دفن می کنیم و با اشتیاق تمام منتظر رسیدن باقی نیروهای شما هستیم.» به عبارت دیگر، داعش خواستار آن است که نیروهای زمینی غربی به سوره حمله کنند تا تاییدی باشد بر گفته هایی که مربوط به دابق می شود. اعضای داعش عمیقاً باور دارند که در یک جنگ عالم گیر شرکت دارند و البته به نمایندگی از خیر می جنگند و همین مسئله به آن ها اجازه می دهد هر کس را که در مقابلشان می ایستد بدون احساس پشیمانی به قتل برسانند.

